

ناتو و تغییر راهبرد امنیتی آمریکا در خلیج فارس

امین دیلمی معزی - عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد چالوس

آمریکا اهمیت استراتژیک دارد؛ بویژه نفت - از دیدگاه امنیتی - در کانون توجه واشنگتن در منطقه است و از همین رو، گرچه این کشور در شمار کشورهای خلیج فارس نیست، اما در پرونده امنیت‌سازی و فرایندهای امنیتی نقش تعیین‌کننده داشته است. شاید هیچ رییس‌جمهوری در آمریکا به اندازه کارتر اهمیت این زیرسیستم را در خاورمیانه برای آمریکا به جهانیان نشانانده باشد که در سخنان هشدار داده بود حمله به منافع آمریکا در این منطقه را با جنگ افزار پاسخ خواهد داد. این سخنان هنگامی گفته شد که نیروهای اتحاد جماهیر شوروی با اشغال خاک افغانستان تا ۵۵۰ کیلومتری دهانه تنگه هرمز در خلیج فارس پیش آمده بودند، تا جایی که بمب افکنهای تاکتیکی آنها نیز می‌توانستند هدفهایی را در خلیج فارس در هم کوبند و این، برای آمریکا تهدیدی استراتژیک شمرده می‌شد. به خاطر اهمیتی که خلیج فارس برای واشنگتن

چندی است که ناتو به آرامی وارد حوزه خلیج فارس شده است. بسیاری از پژوهشگران به نقش ناتو در سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا بعنوان ابزاری مناسب و کارآمد در راستای هژمونی آن کشور در سطح جهان اشاره کرده‌اند. ناتو بر سرهم‌سازمانی است الیتستی با برتری آشکار آمریکا در آن، و از همین رو بسیاری از تصمیمات و سیاستهای آن با منافع و خواستهای آمریکا همخوانی داشته است و دارد. بر این پایه، هرچه گستره جغرافیایی و سطوح امنیتی، دفاعی، سیاسی و... اقدامات ناتو گسترش یابد، به همان اندازه بر برتری آمریکا در نظام بین‌الملل افزوده خواهد شد. در واقع ایالات متحده می‌تواند از اعضای ناتو برای توجیه و مشروعیت بخشی به اقدامات خود در نظام بین‌الملل، در چارچوب این سازمان بهره‌گیرد. یکی از حوزه‌هایی که ناتو به تازگی در آن گام نهاده، خلیج فارس است. خلیج فارس به چند دلیل برای

کرده است. واپسین تصمیمات در این زمینه در ۱۹۹۹ در واشنگتن گرفته شد، جایی که اعضاء آشکارا تعریفی تازه از هدفها به دست دادند و به مکانیزمهای اجرایی و عملیات متناسب با آنها پرداختند. در واقع، این نشست را باید رنسانس ناتو نامید. در آن نشست سیاست «درهای باز» مطرح شد که بر پایه آن دیگر کشورها نیز می توانستند به عضویت ناتو در آیند و پرورسۀ عضویت در «شورای آتلانتیک شمالی» پیگیری می شد. بدین سان، مجارستان، جمهوری چک و لهستان در ۱۹۹۹ و استونی، لیتوانی، لتونی، رومانی، بلغارستان، اسلواکی و اسلونی در ۲۰۰۴ به ناتو پیوستند. کشورهای دیگری نیز خواهان پیوستن به ناتو هستند.

رویدادهای یازده سپتامبر در دگرگونی نظام بین الملل نقش تعیین کننده داشته است. ناتو نیز از این رویدادها متأثر شد به گونه ای که پس از آن، اعضای ناتو بر پایه ماده ۵ اساسنامه سازمان، حمله به آمریکا را حمله به خاک خود دانستند و به دفاع از آمریکا پرداختند. برجسته ترین اثر این رویدادها بر ناتو و استراتژی آن، قرار گرفتن دو موضوع «مبارزه با تروریسم» و

○ ناتو بر سر هم سازمانی است الیستی با برتری آشکار آمریکا در آن، و از همین رو بسیاری از تصمیمات و سیاستهای آن با منافع و خواستهای آمریکا همخوانی داشته است و دارد. بر این پایه، هر چه گسترۀ جغرافیایی و سطوح امنیتی، دفاعی، سیاسی و... اقدامات ناتو گسترش یابد، به همان اندازه بر برتری آمریکا در نظام بین الملل افزوده خواهد شد. در واقع ایالات متحده می تواند از اعضای ناتو برای توجیه و مشروعیت بخشی به اقدامات خود در نظام بین الملل، در چارچوب این سازمان بهره گیرد.

دارد، آمریکا ترتیباتی برای تأمین منافع خود در منطقه داده که آخرین مورد آن ورود ناتو به پرورسۀ امنیتی منطقه است. بر این پایه، در این پژوهش نخست به گونه فشرده به دگرگونیهایی که در ناتو پدید آمده تا این سازمان نقشی برای خود در خلیج فارس تعریف کند پرداخته می شود و سپس راهبردی امنیتی که آمریکا از آغاز تاکنون در منطقه خلیج فارس داشته مورد بررسی قرار می گیرد؛ در ادامه به چگونگی ورود ناتو به منطقه خلیج فارس اشاره می شود و سرانجام به هدفهای آمریکا از کشیدن پای ناتو به این منطقه پرداخته می شود. اما پیش از آن، لازم است به دگرگونیهایی که در بستر آن ناتو وارد خلیج فارس شده است اشاره شود.

دگرگونیهای ناتو پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی:

ناتو بعنوان يك سازمان نظامی و امنیتی، امسال شصت و يك ساله خواهد شد. این سازمان که به دست کشورهای اروپایی عضو پیمان بروکسل، آمریکا و کانادا با هدف رویارویی با خطر کمونیزم و اتحاد جماهیر شوروی در ۱۹۴۹ پایه گذاری شده، نقش چشمگیری در هماهنگی تلاشها و اطمینان بخشی به کشورهای عضو در دوران جنگ سرد داشته است. پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، این سازمان در مدت کوتاهی دچار بحران مفهومی شد؛ بدین معنا که با فروپاشی پیمان ورشو و اتحاد جماهیر شوروی، فلسفۀ وجودی ناتو هم از میان رفت. در واقع، نخستین سالهای دهه ۹۰ را باید دوران بلا تکلیفی ناتو دانست تا اینکه در ۱۹۹۴، در سایه رویدادهای بالکان و ناتوانی کشورهای اروپایی در مهار کردن بحران و در همان هنگام، ارائه شدن طرح مشارکت برای صلح از سوی ناتو و استقبال بسیاری از کشورهای اروپای خاوری تا آسیای مرکزی از آن، زمینه برای دگرگونیهایی در ناتو فراهم شد. از آن پس، ناتو با به دست دادن تعریفی تازه از تهدیدها و مسئولیتهایش، پویایی ویژه ای یافته است، تا جایی که اقدام به پذیرش اعضای تازه و گسترش دادن دامنه عمل حتا فراتر از قاره اروپا و گسترۀ سرزمینی اعضای خود

می‌رسد تا این سازمان به ایده «ناتوی جهانی» هر چه بیشتر نزدیک گردد.

پس از یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ ناتو استراتژی امنیت ملی خود را در چارچوب رویارویی با تروریسم تعریف کرده و از کشورهای غیر عضو نیز خواسته است در این زمینه با آن همکاری کنند. در چارچوب رویارویی با تروریسم، هر کشوری می‌تواند با ناتو همکاری کند؛ تا جایی که چین گرچه از گسترش ناتو نگران است، اخباری از تمایل چین و ناتو به همکاری در زمینه‌های امنیتی شنیده شده است (کیهان، ۱۳۸۳: ۵). زیرا چین نیز از فعالیت اسلامگرایان تروریست در آسیای مرکزی نگرانی‌هایی دارد.

ناتو با کشورهای حوزه خلیج فارس نیز همکاری خود را آغاز کرده است. به نظر می‌رسد که آمریکا می‌خواهد این سازمان را جانشین هرگونه ترتیبات امنیتی در همه مناطق کند و بدین سان هژمونی مورد نظر خود را در حوزه خلیج فارس نیز تثبیت نماید.

راهبرد امنیتی آمریکا در خلیج فارس:

ورود فعال آمریکا به خلیج فارس به دهه هفتاد سده گذشته برمی‌گردد، هنگامی که بریتانیا نیروهای خود را از خاور سوئز فراخواند. در آن سالها ایالات متحده نیز درگیر جنگ ویتنام بود؛ جنگی که برای واشنگتن هزینه‌های بسیار سنگین داشت. زیر فشارهای داخلی و بین‌المللی و با پیشنهاد های هنری کسینجر، وزیر خارجه دولت نیکسون، امنیت منطقه خلیج فارس به ایران و عربستان سپرده شد تا در چارچوب استراتژی دو ستونی (Twin Pillar) از منافع غرب پاسداری کنند. اما این استراتژی با انقلاب اسلامی در ایران رنگ باخت و واشنگتن ناگزیر شد چارچوب دیگری برای پاسداری از منافع خود و دوستانش پیاده کند.

آمریکازمین را برای اتحاد استراتژیک کشورهای جنوبی حوزه خلیج فارس در چارچوب «شورای همکاری خلیج فارس» فراهم آورد، درحالی که در آن کشورها شرایط برای چنین اتحادی به درستی آماده

○ آمریکازمین را برای اتحاد استراتژیک کشورهای جنوبی حوزه خلیج فارس در چارچوب «شورای همکاری خلیج فارس» فراهم آورد، درحالی که در آن کشورها شرایط برای چنین اتحادی به درستی آماده نبود؛ برای نمونه، اختلافهای سرزمینی و مرزی میان کشورهای جنوبی خلیج فارس وجود داشت. با این همه، گویا سفارش آمریکا و ترس از امواج انقلاب ایران برای به هم پیوستگی آنها بسنده بود.

«رویارویی با گسترش جنگ افزارهای کشتار جمعی» در اولویت در دستور کار سازمان و در پی آن برپاشدن «تیروی و واکنش سریع ناتو» بود. بدین سان زمینه‌های لازم برای گسترش دامنه کار کرد ناتو، فراتر از اروپا و قلمرو اعضا، فراهم شد. پس می‌توان گفت که رویدادهای یازده سپتامبر به ناتو هویت داده است (کریمی: ۱۳۸۶: ۶-۳۵).

در چارچوب اولویتهای تازه، ناتو تلاشهای خود را بر هماهنگی با دیگر کشورها متمرکز کرد. ناتو هم اکنون ۲۸ عضو دارد^۱ (درحالی که در ۱۹۹۶ تنها ۱۶ عضو داشت)، دارای بیش از بیست کشور شریک و همکار در اروپا و اوراسیا و هفت کشور در آفریقا در چارچوب گفتگوهای مدیترانه^۲ است. این سازمان نیروهای خود را در کوزوو در قالب عملیات کفور (KFOR) نگهداشته است، به نیروهای ایساف در افغانستان کمک می‌کند، به زلزله زدگان در پاکستان یاری رسانده و با نیروهای پاسدار صلح اتحادیه آفریقا در دارفور سودان همکاری می‌کند (Volker, 2008). بدین سان، ناتو دیگر یک سازمان نظامی نیست بلکه یک سازمان امنیتی به مفهوم گسترده آن است. گذشته از آن، زمزمه‌هایی درباره پذیرش کره جنوبی، ژاپن، استرالیا و زلاندنو به گوش

بشکه و در سال ۲۰۲۰ به ۳۵ میلیون بشکه در روز افزایش یابد... حدود نیمی از ذخایر گاز جهان نیز در خلیج فارس قرار دارد. به طوریکه ایران، قطر، عربستان، و امارات متحده عربی به ترتیب دومین تا پنجمین ذخایر گاز جهان را در اختیار خود دارند» (پور احمدی، ۱۳۸۵: ۴۸).

بنابراین اعضای ناتو که همگی مصرف کننده نفت هستند نمی توانند به خاورمیانه و خلیج فارس بی توجه باشند. حضور نظامی ناتو در خاورمیانه و خلیج فارس با نیاز اعضای آن به انرژی پیوند خورده است. برپایه گزارش گروه پژوهشی مرکز مطالعات استراتژیک و بین المللی در واشنگتن، نیاز اعضای ناتو به انرژی خلیج فارس از ۵۰ درصد کنونی به ۸۰ درصد در ۲۰۳۵ خواهد رسید. همچنین، خطوط انتقال انرژی نیز از مناطقی چون مدیترانه، خلیج فارس تا خاور آسیا

نمود؛ برای نمونه، اختلافهای سرزمینی و مرزی میان کشورهای جنوبی خلیج فارس وجود داشت. با این همه، گویا سفارش آمریکا و ترس از امواج انقلاب ایران برای به هم پیوستگی آنها بسنده بود. پس از آن، مسائلی چون رویارویی با نوسانهای تولید نفت و تأمین خطوط انتقال انرژی^۳ و برخوردهای محدود با نیروی دریایی ایران تا اندازه‌ای آمریکا را در منطقه درگیر کرد. در آن هنگام، استراتژی آمریکا، همبسته کردن کشورهای جنوبی خلیج فارس برای ایجاد موازنه در برابر جمهوری اسلامی ایران و عراق بعثی همپیمان با اتحاد جماهیر شوروی بود. اما با دست اندازی عراق به خاک کویت و اخراج نیروهای آن کشور به دست ائتلاف زیر فرمان آمریکا، راهبرد امنیتی ایالات متحده در منطقه دگرگون شد.

حمله آمریکا به عراق زمینه حضور آمریکا در منطقه را بیش از پیش فراهم کرد. از آن هنگام، واشنگتن نه تنها از راه شورای همکاری خلیج فارس، بلکه به گونه پرننگتر با حضور مستقیم نظامی در مسائل امنیتی خلیج فارس درگیر شده است. این کشور پایگاه‌هایی در منطقه برپا کرده و همه این کارها را به بهانه پاسداری از منابع نفتی و همپیمانان خود انجام داده است. پس از یازده سپتامبر نیز مسئله مبارزه با تروریسم و بنیادگرایی اسلامی و جلوگیری از گسترش جنگ افزارهای کشتار جمعی به عوامل پیشین افزوده شد. در چنین شرایطی، ناتوی دگرگون شده نیز خود را به کشورهای منطقه خلیج فارس نزدیک ساخته است.

اهمیت خلیج فارس برای ناتو:

خلیج فارس به دلایلی چند برای ناتو اهمیت دارد که بی گمان نفت و امنیت منابع و خطوط انتقال آن، برجسته‌ترین آنهاست (ن. ک. Schneider & Zantov, 2003 و sky, 1999). کشورهای حوزه خلیج فارس... «روزانه ۲۳ میلیون بشکه ظرفیت تولید دارند. مؤسسه بین المللی انرژی پیش بینی کرده در سال ۲۰۱۰ این میزان به ۲۶ میلیون

○ حمله آمریکا به عراق زمینه حضور آمریکا در منطقه را بیش از پیش فراهم کرد. از آن هنگام، واشنگتن نه تنها از راه شورای همکاری خلیج فارس، بلکه به گونه پرننگتر با حضور مستقیم نظامی در مسائل امنیتی خلیج فارس درگیر شده است. این کشور پایگاه‌هایی در منطقه برپا کرده و همه این کارها را به بهانه پاسداری از منابع نفتی و همپیمانان خود انجام داده است. پس از یازده سپتامبر نیز مسئله مبارزه با تروریسم و بنیادگرایی اسلامی و جلوگیری از گسترش جنگ افزارهای کشتار جمعی به عوامل پیشین افزوده شد. در چنین شرایطی، ناتوی دگرگون شده نیز خود را به کشورهای منطقه خلیج فارس نزدیک ساخته است.

زمینه بهبود امنیت انرژی گزارشی تهیه کند تا در نشست سران در ۲۰۰۹ مطرح شود. نزدیک به دو سوم خطوط انتقال انرژی در دریاست یا حمل آن با تانکر انجام می‌شود. گذشته از کانالهای پاناما و سوئز، تنگه‌های هرمز و مالاکا نیز اهمیت چشمگیر در این زمینه دارند (Vawick, 2008). حمله‌های تروریستی به تانکرهای حامل سوخت از نگرانیهای اعضای ناتو است که همگی مصرف کننده نفت و انرژی هستند و از نوسان در تولید و صدور آن زیان می‌بینند. اما نفت تنها متغیری نیست که توجه ناتو به خاور میانه را توضیح می‌دهد.

روبارویی با تروریستهای بنیادگرا و جلوگیری از دستیابی آنها به جنگ افزارهای کشتار جمعی (WMD) از دیگر دلایل توجه ناتو به خلیج فارس است. بویژه، با برجسته شدن گفتمان امنیتی ستیز با تروریسم، ناتو می‌کوشد رفتار و اقدامات خود را در مناطق مورد نظر از جمله خلیج فارس تنظیم کند. پولنتز از کارشناسان ناتو بر آن است که «امنیت ناپایدار در منطقه [خلیج فارس] وقتی برجسته می‌شود که در نظر بگیریم تهدیدهای امنیتی تازه در سطح جهان از سوی گروه‌های تروریستی و از گسترش جنگ افزارهای کشتار جمعی برمی‌خیزد» (Polentz, 2005). از این رو ناتو می‌کوشد هر گونه خطر از سوی این گونه گروه‌ها و سازمانها را از میان ببرد. اهمیت این خطرها به اندازه‌ای است که حتا بر استانداردهای ناتو در مورد حقوق بشر و دموکراسی سایه افکنده است. یاپ دهبو شفر دبیر کل ناتو گفته است «با وجود اینکه کشورهای همکار ناتو در خلیج فارس از استانداردهای خوبی در زمینه حقوق بشر برخوردار نیستند، اما ناتو همکاری خود را با آنها در زمینه مبارزه با تروریسم ادامه می‌دهد» (دهقانی، ۱۳۸۸).

از دیگر هدفهای ناتو از حضور در حوزه خلیج فارس، پر کردن خلأ قدرت در منطقه به سود غرب است. کشورهای خاور میانه کارنامه خوبی از دولت-ملت سازی نداشته‌اند و همین نارسایی می‌تواند

می‌گذرد که ناتو خواهان حضور در آن مناطق است. در این بهانه، عربستان و عراق و پاکستان می‌توانند نقش منطقه‌ای چشمگیر بویژه در زمینه تولید و انتقال انرژی برای اعضای ناتو بازی کنند (CSIS, 2006: 11-2).

مفهوم استراتژیک ناتو در ۱۹۹۹ گویای آن بود که منافع امنیتی آن سازمان می‌تواند از گسیختگی منابع حیاتی (چون نفت) آسیب ببیند و از همین رو در ۲۰۰۶ دولتهای عضو ناتو به گفتگو بر سر راههای رویارویی با تهدیداتی که متوجه امنیت انرژی است پرداختند. در نشست بخارست (۱۳۸۷) آنها در مورد فعالیت‌های ائتلافی در این زمینه به توافق رسیدند و بویژه پذیرفتند که سیستمها و شبکه‌های اطلاعاتی خود را به هم پیوند دهند، در سطوح بالا به همکاری منطقه‌ای و بین‌المللی بپردازند و از تأسیسات صنعتی مربوط به انرژی پاسداری کنند. همچنین شورای ناتو موظف شد در

○ اعضای ناتو که همگی مصرف کننده نفت هستند نمی‌توانند به خاور میانه و خلیج فارس بی‌توجه باشند. حضور نظامی ناتو در خاور میانه و خلیج فارس با نیاز اعضای آن به انرژی پیوند خورده است. بر پایه گزارش گروه پژوهشی مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی در واشنگتن، نیاز اعضای ناتو به انرژی خلیج فارس از ۵۰ درصد کنونی به ۸۰ درصد در ۲۰۳۵ خواهد رسید. همچنین، خطوط انتقال انرژی نیز از مناطقی چون مدیترانه، خلیج فارس تا خاور آسیا می‌گذرد که ناتو خواهان حضور در آن مناطق است. در این بهانه، عربستان و عراق و پاکستان می‌توانند نقش منطقه‌ای چشمگیر بویژه در زمینه تولید و انتقال انرژی برای اعضای ناتو بازی کنند.

○ «ابتکار همکاری استانبول» روابط
پراکنده اعضای ناتو با کشورهای حوزه
خلیج فارس را نظم بخشید. کویت، قطر،
بحرین و امارات متحده عربی به ابتکار مذکور
پیوستند و بقیه کشورهای نیز در آن مسیر
حرکت کردند.

مسائل گوناگون از رویارویی گرفته تا شفافیت بیشتر در
بودجه و تصمیم گیری در کارهای دفاعی پیشنهاد شد
(Laipton, 2006). در واقع، «ابتکار همکاری استانبول»
روابط پراکنده اعضای ناتو با کشورهای حوزه
خلیج فارس را نظم بخشید. کویت، قطر، بحرین و
امارات متحده عربی به ابتکار مذکور پیوستند و بقیه
کشورها نیز در آن مسیر حرکت کردند (کریمی،
۱۳۸۶: ۱۳۷).

گرچه اعضای ناتو همکاری با کشورهای حوزه
خلیج فارس را پذیرفتند، اما این همکاری را منوط به
طی شدن مراحل عضویت کردند. مراحل عضویت در
ناتو، تعامل و اعتمادسازی، همکاری، مشارکت، و اتحاد
و ائتلاف را در بر می گیرد. موافقت با پذیرش کشورهای
حوزه خلیج فارس و پیش از همه عربستان بعنوان ناظر
(در کنار پاکستان، افغانستان، اردن، اسرائیل، مصر) و
عراق در آن نشست به دست آمد (Legrenzi, 2007:8).
برای نظارت بر فرایند دگرگونیها در ساختار دفاعی
کشورهای خواهان عضویت، در نشستهای استانبول و
ریگا (۲۰۰۶) مقرر شد دفترهایی به نام «دفتر نمایندگی
منطقه‌ای» در کشورهای داوطلب برپا شود. در واقع،
کار این دفاتر، آسان کردن روند دگرگونیها در
حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و بویژه نظامی در
کشورهای داوطلب و نظارت بر اجرای درست آن
است. گویا بخش روابط عمومی این دفاتر که «دیده‌بان
آگاهی» هم خوانده می‌شود به تازگی در بحرین و قطر به
کار افتاده است (هادیان، ۱۳۸۶-۱۱۵).

مورد بهره‌برداری گروه‌های بنیادگرا قرار گیرد. از سوی
دیگر، از دید اعضای ناتو این امکان وجود دارد که قدرت
یا قدرتهایی مانند جمهوری اسلامی ایران از چنین
بستری بهره گیرند و بنابراین باید در برابر آنها ایستاد. در
این زمینه، کشورهای غربی منافع مشترک دارند و از
همین رو کارهایشان را در چارچوب نهادهایی چون ناتو
برنامه‌ریزی و اجرا می‌کنند.

ورود ناتو به خلیج فارس:

در پنجاهمین نشست سالانه اعضای ناتو در آوریل
۱۹۹۹، درباره ورود ناتو به خلیج فارس و نقش آفرینی
نظامی آن نکته‌هایی مطرح شد که مورد توافق قرار
نگرفت (Dean, 1999) و بویژه اعضای نیرومند اروپایی
سازمان مانند فرانسه و آلمان با این پیشنهاد مخالفت
ورزیدند. اما رویدادهای تروریستی یازده سپتامبر
۲۰۰۱ و انفجارهای تروریستی در لندن و مادرید در
۲۰۰۴، لزوم برخورد با تروریسم و زمینه‌های پیدایش
آنرا برجسته‌تر ساخت و خاورمیانه و خلیج فارس بعنوان
مناطق خطر خیز، بیش از پیش مورد توجه قرار گرفت.
بوش به هنگام پذیرش هفت عضو تازه اروپایی در ناتو در
۲۰۰۴ اعلام کرد مأموریت ناتو از محدوده اتحادیه بسی
فراتر می‌رود و گفت اعضای ناتو به سمت ملتهایی در
خاورمیانه می‌روند که توانایی ما را برای مبارزه با
تروریسم و تأمین امنیت مشترک بیشتر کنند (به نقل از
تقفی عامری، ۱۳۸۶: ۱۸).

در جنگ عراق (۲۰۰۳) شانزده عضو ناتو نیروهای
خود را در اختیار واشنگتن گذاشته بودند (ان.ک:
Wikipedia, 2000). به نظر می‌رسد یکی از دلایلی که
ناتو را آماده پذیرش مسئولیت مستقیم در خلیج فارس
کرده باشد همین مشارکت برخی کشورهای عضو در
عملیات تغییر رژیم در عراق بوده است. سرانجام اراده
لازم برای ورود ناتو به خلیج فارس در نشست سران
در استانبول (۲۰۰۴) پدید آمد. در چارچوب «ابتکار
همکاری استانبول» (Istanbul Cooperation Initiative)
گزینه‌هایی چند در زمینه آموزش، همکاری در برابر

خلیج فارس، حمله آمریکا به عراق يك نقطه عطف به‌شمار می‌آید. در آن حمله بسیاری از اعضای ناتو شرکت داشتند. اعضای ناتو همچنین با کشورهای عرب همسایه عراق همکاری‌های امنیتی برقرار کردند تا در برابر عراق بعثی بایستند. برای نمونه، يك تیم نظامی هسته‌ای، بیولوژیک و شیمیایی (NBC) از ناتو برای مجموعه‌ای از تمرین‌های نظامی در دریای عرب در چارچوب «ابتکار گسترش امنیت» فرستاده شد. همچنین در سال ۲۰۰۳ پیش از حمله آمریکا به عراق، يك گردان NBC از آلمان برای رویارویی با حملات شیمیایی و میکروبی احتمالی عراق، در کویت مستقر شد که در آن، افرادی از جمهوری چک نیز حضور داشتند (Polentz, Ibid).

ناتو در عراق پس از صدام نیز مسئولیتهایی پذیرفته است. گرچه در آغاز، درخواست آمریکا برای حضور نظامی ناتو در راستای برقراری امنیت در عراق (وحتاً خاورمیانه) با مخالفت آلمان و فرانسه روبه‌رو شده بود، اما ناتو نقش فعالی برای تربیت کادر امنیتی عراق در داخل و خارج از آن کشور پذیرفته است (دهقانی، ۱۳۸۸). برای نمونه، نیروهای آلمانی در چارچوب ناتو پلیس عراق را در امارات عربی متحده آموزش می‌دهند؛ هفتاد مربی نظامی دیگر نیز برای تربیت کادر امنیتی عراق، از کشورهای ایتالیا، مجارستان، نروژ و کانادا به اردن و کویت فرستاده شده‌اند. همچنین قرار بوده ناتو ۲۵۰ مربی دیگر به عراق بفرستد (NATO, 2007). اعلام آمادگی ناتو برای دادن کمک‌های مالی و تسلیحاتی به عراق و دیدار وزیر امور خارجه عراق از مقر ناتو و سفر دبیرکل ناتو به بغداد، از دیگر موارد شاخص همکاری‌های ناتو و دولت جدید عراق بوده است (کریمی، ۱۳۸۶: ۱۳۷).

در چارچوب ابتکار همکاری‌های استانبول، مقامات ناتو سفرهایی چند به منطقه داشته‌اند که از مهمترین آنها دیدار شفر از امارات عربی متحده و سخنرانی وی در مرکز مطالعات استراتژیک در دبی (۲۰۰۸) بوده است. در سپتامبر ۲۰۰۷ نیز گزارشگر مجمع پارلمانی ناتو در

○ گرچه آمریکا و اروپا بر سر بسیاری از هدفها و شیوه کارکرد در سیاست خارجی اختلافهایی باهم دارند، اما در مورد گسترش دامنه ناتو به خلیج فارس، کمابیش همسویند. ناتو در واقع نماد آمیزش توانمندی‌های اروپا و آمریکا برای رسیدن به خواستها و منافع امنیتی، دفاعی و... در زمینه سیاست جهانی آنهاست. هدفهای غرب از کشاندن پای ناتو به خلیج فارس، با اهمیت این منطقه برای ناتو همخوانی دارد.

برجسته‌ترین موارد در ابتکار استانبول، سرکوب گروه‌های تروریستی بین‌المللی، همکاری در زمینه جلوگیری از گسترش جنگ افزارهای کشتار جمعی و انتقال غیرقانونی جنگ‌افزار و مشارکت در عملیات صلح‌بانی ناتو است. ناتو همانند آنچه به کشورهای شریک در گفتگوهای مدیریتانه پیشنهاد کرده، در ابتکار استانبول نیز توصیه‌هایی به منظور آسان کردن اصلاحات بودجه‌ای و طرح‌های دفاعی و... برای ایجاد تمایل در کشورهای خاورمیانه و بویژه کشورهای حوزه خلیج فارس کرده است. از دیگر مواردی که در دستور کار ناتو برای همکاری با کشورهای خلیج فارس قرار دارد، می‌توان به آموزش نظامی، تبادل اطلاعات، برگزاری رزمایشهای مشترک، مبارزه با قاچاق مواد مخدر و همکاری در زمینه جرائم بین‌المللی اشاره کرد (دهقانی، ۱۳۸۸ و Polentz, 2005).

البته همکاری ناتو با کشورهای حوزه خلیج فارس پیش از ابتکار همکاری استانبول نیز در سطحی محدود وجود داشت. سالها پیش از ابتکار همکاری استانبول، امارات عربی متحده نیروهای خود را برای کمک به عملیات ناتو در بالکان در اختیار آن گذاشته بود (Polentz, Ibid)، اما در زمینه درگیر شدن ناتو در

ناتو در ۱۳۸۳ يك مدرسه نظامی در بغداد برپا کرده و در ۱۳۸۴ نزدیک به هزار تن از افسران بلندپایه و میان‌پایه عراقی را آموزش داده است. همچنین، ناتو برای آموزش دادن نیروهای مسلح کشورهای منطقه قصد دارد يك دانشکده نظامی برپا کند و گویا اردن برای میزبانی این دانشکده اعلام آمادگی کرده است. کشورهای حوزه خلیج فارس که با ناتو همکاری دارند (کویت، قطر، بحرین و امارات عربی متحده) می‌توانند از امکانات این دانشکده استفاده کنند. همچنین دیگر کشورهای همکار ناتو چون مصر، موریتانی و اسرائیل می‌توانند از امکانات آن دانشکده بهره‌گیرند (خبرگزاری فارس، ۱۳۸۸).

تمایل ناتو به حضور در خلیج فارس با واکنش مساعد کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس روبه‌رو شد. در حاشیه بیست و ششمین نشست سران شورای همکاری خلیج فارس در ابوظبی، دبیرکل این شورا از درخواست اعضای شورا از ناتو برای حضور در خلیج فارس خبر داد (کریمی، ۱۳۸۴: ۵). چنین اقدامی گویای آن است که این کشورها هر چند توان تأمین امنیت خود را دارند، ولی به اندازه‌ای احساس ضعف می‌کنند که ناچارند از قدرتهای فرامنطقه‌ای

گزارشی با عنوان «ناتو و امنیت خلیج فارس» پیشنهاد کرد ماده‌ای به ابتکار صلح استانبول افزوده شود که بر پایه آن کشورهای عضو این برنام‌ه همانند اعضای «ابتکار مشارکت برای صلح» (PEP) بتوانند در صورت احساس هرگونه تهدید امنیتی، با ناتو مشورت کنند (کریمی، ۱۳۸۶: ۱۳۷).

در بهمن ۱۳۸۵ نشست مشترک ناتو و شورای همکاری خلیج فارس در ریاض برگزار شد (موعود، ۱۳۸۵). در ۲۷ ژوئیه ۲۰۰۷، الساندرو مینوتوریسو معاون دبیرکل ناتو، به هنگام دیدار از ریاض آشکارا اعلام کرد که «ناتو برای عربستان ارزش و وزن منطقه‌ای قابل است» وی از ریاض خواست تا پیشنهاد پیوستن عربستان به ناتو بعنوان عضو ناظر را بررسی کند (به نقل از هادیان، ۱۳۸۶: ۱۲۳) همچنین، در آوریل ۲۰۰۴ نشست مشترک ناتو و شورای همکاری خلیج فارس در دوحه برگزار شد تا نقش ناتو در امنیت خلیج فارس را بررسی کند. در این نشست در زمینه تبادل اطلاعات و آموزشهای نظامی و عملیات ضد تروریستی توافقهایی به دست آمد. این نشست، به میزبانی مرکز پژوهشهای استراتژیک وابسته به نیروهای مسلح قطر و با همکاری وزارت امور خارجه آن کشور برگزار شد (کارگزاران، ۱۳۸۶ و دهقانی، ۱۳۸۸).

روابط ناتو و کشورهای خلیج فارس با سفر مقامات دو طرف جهشی چشمگیر یافت. گذشته از موارد یاد شده، امیر قطر نیز از مقر ناتو دیدن کرد و در چارچوب ابتکار همکاری استانبول يك برنامه همکاری عملی با ناتو مشتمل بر ۱۶۰ موضوع برای سال ۲۰۰۷ به امضاء رساند. برگزاری نشست مشترک شورای همکاری خلیج فارس و ناتو در اواخر ۲۰۰۷ و امضای توافقنامه تبادل اطلاعات امنیتی میان ناتو و کویت از سوی دبیرکل ناتو و وزیر خارجه کویت از دیگر تحولات در روابط ناتو با شورای همکاری خلیج فارس بوده است. بر پایه همین توافقهها بود که ناتو کارشناسان ضد تسلیحات هسته‌ای خود را به کویت فرستاد (کریمی، همان: همان صفحه و هادیان ۱۳۸۶: ۱۳۱).

○ از دیدگاهی، گام نهادن ناتو به خلیج فارس، به معنای محاصره استراتژیک ایران است؛ زیرا با حضور نیروهای این سازمان در آذربایجان در شمال، ترکیه و عراق در باختر، افغانستان در خاور و خلیج فارس در جنوب ایران، ناتو کوشیده است ایران را از همه سو محاصره کند. گرچه تهران در برخی زمینه‌ها در افغانستان با ناتو همکاری کرده، اما ناگفته پیداست که ج.ا. ایران نمی‌تواند دوست ناتو شمرده شود.

در خواست پشتیبانی داشته باشند.

هدفهای آمریکا و اروپا از کشاندن پای ناتو به خلیج فارس:

گرچه آمریکا و اروپا بر سر بسیاری از هدفها و شیوه کارکرد در سیاست خارجی اختلافهایی با هم دارند، اما در مورد گسترش دامنه ناتو به خلیج فارس، کمابیش همسویند. ناتو در واقع نماد آمیزش توانمندیهای اروپا و آمریکا برای رسیدن به خواستها و منافع امنیتی، دفاعی و... در زمینه سیاست جهانی آنهاست. هدفهای غرب از کشاندن پای ناتو به خلیج فارس، با اهمیت این منطقه برای ناتو همخوانی دارد.

چنان که گفته شد، یکی از دلایل اهمیت خلیج فارس برای غرب، نفت و گاز این منطقه است. وابستگی چرخهای اقتصاد جهانی به این ماده انکارناشدنی است و خلیج فارس در نقشه ژئواکونومیک جهان جایگاهی ویژه دارد، به گونه‌ای که هیچ منطقه‌ای در جهان با آن برابری نمی‌کند. مجموع ذخایر نفت مناطق خزر، خلیج گینه، دریای کارائیب و دریای شمال به اندازه ذخایر نفت این منطقه نیست و تنها ذخایر گاز سیبری است که با ذخایر گاز خلیج فارس برابری می‌کند. نفت و گاز از هنگامی که جانشین ذغال سنگ

○ در نخستین سالهای هزاره نو، پویش

قدرت در منطقه به گونه‌ای رقم خورد که قدرت منطقه‌ای ایران افزایش یافت و کشورهای جنوب خلیج فارس برای ایجاد موازنه در برابر ایران، بیش از پیش به قدرتهای فرامنطقه‌ای چشم دوختند. ناتو بعنوان يك ساختار امنیتی که شاید بتواند جایگاه فرمانروایان در این کشورها را تضمین کند، مورد توجه قرار گرفته است.

شده‌اند، دیگر کالایی اقتصادی به‌شمار نمی‌آیند بلکه ارزش استراتژیک یافته‌اند و از همین رو، هرگونه خطری که برای منابع انرژی یا خطوط انتقال آن پیش آید، با واکنش کشورهای مصرف‌کننده غربی روبه‌رو خواهد شد. منابع انرژی را باید در مقوله امنیت بین‌المللی قرار داد، زیرا با توجه به فرایند رو به گسترش جهانی شدن اقتصاد، هرگونه بحران در اقتصاد يك کشور آثار خود را بر اقتصاد دیگر کشورها خواهد گذاشت؛ بویژه گسیختگی و ناامنی در زمینه تولید و صدور نفت به آمریکا و اروپا. بعنوان نخستین و دومین کانون اقتصاد جهانی - گل شبکه را متأثر خواهد ساخت. ناتو بعنوان يك سازمان امنیتی در برگیرنده کشورهای اروپایی و آمریکا که مصرف‌کنندگان بزرگ انرژی هستند، می‌تواند در برابر خطرهایی که متوجه منابع انرژی و خطوط انتقال انرژی است، کار ساز افتد.^۴

هدف دیگر غرب از کشاندن پای ناتو به خلیج فارس را باید در چارچوب گفتمان امنیتی تازه غرب یافت. امروزه مهمترین خطرهایی امنیتی برای غرب، خود را در چارچوب نبرد نامتقارن تروریستی نمودار ساخته است. رویدادهای تروریستی یازده سپتامبر، انفجارهای تروریستی در لندن و مادرید و... غرب را با گونه تازه‌ای از تهدیدها روبه‌رو کرد که از بنیادگرایی مایه می‌گرفت. رویارویی با این گروهها و شاخه‌های آنها در سراسر جهان، هدف غرب است و ناتو ابزار مناسبی برای رسیدن به این هدف به‌شمار می‌رود. کوشش ناتو برای دامن‌گستری در خاورمیانه، و خلیج فارس بعنوان مهمترین زیرسیستم آن، با هدفهای آمریکا و اروپا در رویارویی با شبکه‌های تروریستی بنیادگرا همخوانی دارد.

تقویت روند اصلاحات در خاورمیانه، از دیگر هدفهای غرب برای کشاندن پای ناتو به خلیج فارس عنوان شده است. گرچه رقابتهایی میان اروپا و آمریکا در زمینه شکل‌دهی به اصلاحات در خاورمیانه وجود داشته است و دارد، اما به نظر می‌رسد این دو بتوانند

○ کشورهای عضو ناتو و نیز کشورهای بخش جنوبی خلیج فارس، در کشاندن پای آن سازمان به منطقه همسویند. چنین بستری، زمینه افزایش پیوندها میان کشورهای این منطقه با ناتو را فراهم آورده است. بی‌گمان دامنه همکاریهای ناتو با کشورهای شریک در خلیج فارس گسترش خواهد یافت و چه بسا روزی به عضویت آنها در ناتو بینجامد؛ روندی که به گونه بنیادی ساختار قدرت و امنیت در حوزه خلیج فارس را دگرگون خواهد کرد.

(برای مطالعه بیشتر: شجاع: ۱۳۸۶: ۹-۳۳). در حوزه خلیج فارس، هیچ یک از کشورها یا حتا همه آنها (در چارچوب شورای همکاری خلیج فارس) همسنگ ایران نیستند و توان ایجاد موازنه قدرت در برابر آنرا ندارند. در سایه همین ضعف استراتژیک است که کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس دست به دامان قدرتهای فرامنطقه‌ای می‌شوند. از دیدگاه غرب، حضور نیروهای ناتو در خلیج فارس، می‌تواند بلندپروازیهای احتمالی تهران را مهار کند.

از دیدگاهی، گام نهادن ناتو به خلیج فارس، به معنای محاصره استراتژیک ایران است؛ زیرا با حضور نیروهای این سازمان در آذربایجان در شمال، ترکیه و عراق در باختر، افغانستان در خاور و خلیج فارس در جنوب ایران، ناتو کوشیده است ایران را از همه سو محاصره کند. گرچه تهران در برخی زمینه‌ها در افغانستان با ناتو همکاری کرده، اما ناگفته پیداست که ج.ا. ایران نمی‌تواند دوست ناتو شمرده شود.

سخن پایانی:

در ۴ آوریل ۲۰۰۹ ناتو شصت ساله می‌شود. ناتو که

تلاش‌هایشان را در چارچوب ناتو هماهنگ کنند. اروپا و آمریکا دگرگونیهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی را برای از میان بردن بسترهای تروریسم لازم می‌دانند زیرا بر این باورند که حکومت‌های بسته و غیردموکراتیک، ناچیز بودن فرصت‌های اقتصادی و در کار بودن ایدئولوژیهای تندرو، بسترساز تروریسم در نظام بین‌الملل هستند و از این رو به کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا، پرداختن به یک رشته اصلاحات فرهنگی و سیاسی را پیشنهاد کرده‌اند. اروپا با ابتکار بارسلون و آمریکا با طرح خاورمیانه بزرگ چنین برنامه‌ای را پیش می‌برده‌اند. با وجود ناهمسانیهایی که میان طرح‌های آنها به چشم می‌خورد (ر.ک: خزلی ۱۳۸۳: ۵-۱۱۱)، ناتو می‌تواند این اختلاف‌ها را کمرنگ کند و اراده و توان آنها را برای پیش بردن اصلاحات مورد نظرشان در خاورمیانه در هم آمیزد. یکی از شرایط عضویت در ناتو، گرایش به دموکراسی و فضای باز سیاسی است و گسترش ناتو به سوی خلیج فارس، به ظاهر در راستای هدف‌های غرب در زمینه توسعه دموکراسی است.

بی‌گمان، کشیده شدن پای ناتو به خلیج فارس با هدف‌ها و نگرانیهای اعضای آن در مورد ج.ا. ایران پیوند نزدیک دارد. ایران از دیدگاه غرب، کشوری تندرو است که می‌کوشد ساختار قدرت و ارزش‌های نظام بین‌الملل را که در نمایه آن بیشتر با خواسته‌ها و ارزش‌های غربی همخوان است، دگرگون کند. با اینکه برخی کشورهای اروپایی با ایران روابط اقتصادی گسترده دارند، اما روابط میان اروپا و ایران هیچگاه خالی از تنش نبوده است. روابط ایران و آمریکا پس از پیروزی انقلاب اسلامی را نیز می‌توان در چارچوب تهدید و فشار تحلیل کرد. بدین سان، ج.ا. ایران یکی از چالش‌های امنیتی غرب به‌شمار می‌آید.

در پی جنگ افغانستان (۲۰۰۱) و عراق (۲۰۰۳) و پیروزی گروه‌های شیعی و طرفدار ایران در انتخاباتی که در چارچوب طرح خاورمیانه بزرگ انجام شد، ایران توانسته است قدرت خود را افزایش دهد و بعنوان مهم‌ترین و اثرگذارترین قدرت منطقه‌ای سربر آورد

خواسته بود تا امنیت نفتکشهای این کشور را در خلیج فارس تأمین نماید.

۴. در میان اعضای ناتو تنها کانادا نفت وارد نمی کند.

منابع فارسی:

- پوراحمدی، حسین، «اقتصاد نوین جهانی و ساختار نوین امنیت

در خاورمیانه»، فصلنامه راهبرد دفاعی، پاییز ۱۳۸۵

- تقفی عامری، ناصر، «ناتوی جدید در معادلات بین الملل»، در

ناتو و محیط امنیتی ایران (۱۳۸۶) تهران، پژوهشکده مطالعات

راهبردی.

- خبرگزاری فارس، «ناتو در خاورمیانه دانشکده نظامی تأسیس

می کند»، در:

www.farsnews.net/printable.php?nn=8503170075

- خبرگزاری موعود، «کنفرانس ناتو و شورای همکاری خلیج

فارس در عربستان برگزار شد»، در:

[http://mouood.org/index20.php?option...\[1385/11/1\]](http://mouood.org/index20.php?option...[1385/11/1])

- خزلی، طاهره (۱۳۸۳) «همگرایی و واگرایی آمریکا-اتحادیه

اروپا در طرح خاورمیانه بزرگ»، نهضت، شماره های ۱۷-۱۸.

- دهقانی، محمود، «راهبرد ناتو در خلیج فارس»، در:

www.csr.ir [1388/2/20]

- شجاع، مرتضی (۱۳۸۶) «بیش قدرت در خاورمیانه در آغاز

سده بیست و یکم»، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، ش

۲۳۶-۲۳۵، صص ۴۷-۳۲.

- «توافق امنیتی ناتو با شورای همکاری خلیج فارس»،

کارگزاران، ۱۳۸۶/۱۱/۱۰.

- کریمی، جعفر، «درخواست شورای همکاری خلیج فارس

برای حضور در خلیج فارس»، حیات نوا اقتصادی،

۱۳۸۴/۱۰/۲۴.

- کریمی، هوشنگ، «ناتوی جهانی»، همشهری دیپلماتیک،

نیمه اسفند ۱۳۸۶.

- «منافع آمریکا و ادامه حیات ناتو»، کیهان، ۱۳۸۳/۶/۱۹.

- هادیان، حمید، «ناتو در خاورمیانه»، در ناتو و محیط امنیتی

ج ۱۰. ایران (۱۳۸۶)، پژوهشکده مطالعات راهبردی.

منابع لاتین:

- Dean, Jonathan (1999), OSCE and NATO: Comple-

پیش از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، رویارویی با

کمونیزم را کارویژه خود می دانست، پس از دوره

کوتاهی از بلا تکلیفی، با به دست دادن تعریفی تازه از

تهدیدهای پیش رو و وظایف خود، آماده ایفای نقشی

تعیین کننده در سیاستهای جهانی شده است. این سازمان

امنیتی دامنه کار کردهایش را به خلیج فارس کشانده تا به

ظاهر با تروریسم، گسترش جنگ افزارهای کشتار

جمعی، منابع خطر برای منابع انرژی و خطوط انتقال

انرژی و نیز با باصطلاح بلند پروازیهای ایران در منطقه

رویاری کند. ابتکار همکاریهای استانبول (۲۰۰۴)

زمینه را برای گسترش روابط میان کشورهای جنوب

خلیج فارس و ناتو فراهم آورد؛ قطر، بحرین، کویت و

امارات به این طرح پیوسته اند و دیگر کشورهای این

منطقه نیز پیوستن به آنرا مورد بررسی قرار داده اند.

در نخستین سالهای هزاره نو، پویش قدرت در منطقه

به گونه ای رقم خورد که قدرت منطقه ای ایران افزایش

یافت و کشورهای جنوب خلیج فارس برای ایجاد موازنه

در برابر ایران، بیش از پیش به قدرتهای فرامنطقه ای

چشم دوختند. ناتو بعنوان يك ساختار امنیتی که شاید

بتواند جایگاه فرمانروایان در این کشورها را تضمین کند،

مورد توجه قرار گرفته است. در واقع، کشورهای عضو

ناتو و نیز کشورهای بخش جنوبی خلیج فارس، در

کشاندن پای آن سازمان به منطقه همسویند. چنین

بستری، زمینه افزایش پیوندها میان کشورهای این

منطقه با ناتو را فراهم آورده است. بی گمان دامنه

همکاریهای ناتو با کشورهای شریک در خلیج فارس

گسترش خواهد یافت و چه بسا روزی به عضویت آنها

در ناتو بینجامد؛ روندی که به گونه بنیادی ساختار قدرت

و امنیت در حوزه خلیج فارس را دگرگون خواهد کرد.

یادداشتها

۱. در یکم آوریل ۲۰۰۹ آلبانی و کرواسی نیز به ناتو پیوستند.

۲. شامل الجزایر، مصر، اسرائیل، اردن، موریتانی، مراکش و

تونس می باشد.

۳. در طی جنگ عراق علیه ایران، دولت کویت از واشنگتن

Strategic Consensus, NATO-EU (2006) Working Group, CSIS, 15-16 SEP.

- Polentz, Ruprecht, "NATO and Persian Gulf Security", **European Journal of International Relations**, Summer 2005.

- Schneider, Jiri. Zantovsky, Michael, "NATO and the Greater Middle East", **Pass Policy Paper, conference**, October 17-19, 2003, Prague.

- Warwick, Johannes, NATO's Role in Energy Security, at:

[http:// www. johannes - varwick. de/ wp-content/ original -2 - varwick. pdf](http://www.johannes-varwick.de/wp-content/original-2-varwick.pdf)

- Volker Kurt, "Bucharest and the Future of the Transatlantic Alliance", at:

[www. state. gov/p/eur/ r/s/rm/103423. pdf](http://www.state.gov/p/eur/r/s/rm/103423.pdf) [April 7, 2008]

- wikipedia, Iraq War. at:

[www. enwikipedia. org/ wiki/ iraq-war](http://www.en.wikipedia.org/wiki/iraq-war)

mentary or Competitive, Security Provider, at:

[http:// www. core-hamburg. de/ documents/ year- book/ english/ 99/ Dean. pdf](http://www.core-hamburg.de/documents/yearbook/english/99/Dean.pdf)

- Gompert, David C. & Green, Jerrold & Larrabee, F. Stephen (1999), Common Interests, Common Responsibilities, **RAND Review**, Spring 1999 Vol. 23, No. 1.

[http:// www. rand. org/ publications/ randreview/ issues/ rr. spring. 99/ atlantic. html](http://www.rand.org/publications/randreview/issues/rr.spring.99/atlantic.html)

- Laipson, Ellen, NATO New Mission in the Middle East, in Security Sector in the Gulf, **Joint Project**, Stimson Center & US army. at:

[http:// www. stimson. org/ pub. cfm? ID= 247](http://www.stimson.org/pub.cfm?ID=247)

- Legrinzi, Matteo, NATO in Gulf, **Middle East Policy**, Vol XIV, No1, Spring 2007.

- NATO, Education and Training NATO Led Operation. at:

[www. nato. int](http://www.nato.int) [730, 2007]

- NATO Summit and Beyond, The search for Alliance

